



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۹/۰۵



عبدالقیوم میرزاده

اوضاع بحرانی کشور



از بررسی اخبار روزهای اخیر در باره مذاکرات (صلح) خلیل زاد و پاکستان زیر نام طالبان، رویدادهای مرتبط در قبال افغانستان و به صورت اخص مصاحبه زلمی خلیل زاد با تلویزیون طلوع در کابل به این نتیجه رسیدم همانطوریکه در قسمتی از کتاب «ملت، منافع ملی و دولت ملت در افغانستان» نگاشته بودم:

(تجربه به ما به وضاحت نشان داده است که هیچ کشوری در جهان برای ما صلح و آرامش به ارمغان نمی آورد، بر عکس همه برای منافع خود و کشور هایشان تا کنون فقط جنگ، برادر کشی و ویرانی مادی و معنوی را به کشور ما به ارمغان آورده اند، یونانی ها، مغول ها، عرب ها، فارس ها، انگلیس ها، روس ها، پاکستانی ها، امریکایی ها و دیگران همه و همه با ورود شان در کشور ما جنگ را با خود آورده اند همه این کشور ها تنها استراتژی های حمله به کشور ما برای دستیابی به منافع خودشان را داشته اند و هیچکدام شان در باره عواقب فاجعه بار این لشکرکشی ها برای کشور و مردم ما حتی کمترین توجه نکرده اند که بعد از هر حمله ویرانگر با چند دسته شدن مردم بومی در دفاع و مخالفت با سیطره بیگانه و نبود روحیه ملت واحد و منافع ملی کشور ما از لحاظ ساختار اداره و سرزمین دستخوش بحرانات عمیق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گردیده است که هر پاراعمار مجدد کشور و ساختارهای آن برای مردم ما بسیار گران تر از مخارج و تباهی های جنگ تمام شده است. در اینجا یک مکت کوتاه از راهبرد قدرت های بزرگ و شرکت های تسلیحاتی در بروز بحران ها و مدیریت این بحران ها هم خالی از مفاد نخواهد بود .

این کاملاً واضح است که بحرانات بین المللی و منطقوی عمدتاً به وسیله قدرت های بزرگ البته در زمان جنگ سرد بیشتر به وسیله ایالات متحده امریکا و اتحاد شوروی و بعد از آن بیشتر در تحت استراتژی های ایالات متحده امریکا و همکاری و همگرایی اتحادیه اروپا، روسیه به وسیله کشورهای زیر حوزه نفوذ شان ایجاد میگردند و حق مدیریت این بحران ها را هم تقریباً همیشه برای خود شان محفوظ نگه میدارند. معمولاً بحران ها به وسیله نفوذی های این قدرت ها از طریق کودتا های نظامی، تظاهرات و آشوب های خونین خیابانی، به قول این قدرت ها "نا فرمانی ها"، تهیه اسناد جعلی از خطرات احتمالی منطقوی و بین المللی و جابجایی مهره های کلیدی در دولت ها که منجر به مشاجرات، اختلافات و زد و خورد ها میان رهبران گردیده و هر کدام برای تقویت موضع شان در زیر شعار های دروغین و اغواگرانه از میان مردم شان سرباز گیری کرده و دامنه آشوب ها را تا خارج از مرز

های شان توسعه می بخشند و درست همینجاست که بنابر خود فروختگی، کوتاه نظری و درک نا کامل از اوضاع ملی و بین المللی و پیامد های مداخله خارجی، زمینه مداخله خارجی برای کشور شان را فراهم میگردانند که کنترل اوضاع از دست شان خارج شده و مدیریت بحران به دست آنها می افتد که روی این بحران سرمایه گذاری کرده بودند. اما آنچه برای کشور شامل حوزه بحران در بعد داخلی بسیار از اهمیت فراوان برخوردار است همانا عکس العمل اداره این کشور ها در قبال این بحران ها و دیدگاه های شان برای برون رفت از این بحران میباشد اگر در افغانستان نه حکومت با طالب و نه سایر نیرو های سیاسی و شبه نظامی در میان خود و با دولت کنار نمی آیند، اگر در عراق حکومت با مخالفین سنی و شیعه و کرد ها با همه توافق ندارند، اگر در سوریه حکومت با مخالفین سنی و سیاسی و کرد ها و همه در میان هم توافق نمی کنند و اگر اسرائیل با فلسطینی ها به موافقه نمیرسد، اگر در یمن حوثی ها با سایر هموطنان خودشان توافق ندارند، اگر در لیبیا همه مخالفین سرباز اجیر کرده اند و کشور شان را گرفتار آشوب بزرگ کرده اند و اگر عربستان سعودی با ایران بر سر یک اجماع منطقی توافق نمیکند و در هر کجایی دیگر این کره خاکی که نزاع و کشمکش جریان دارد معطومدار است که نظام های این کشور ها نه بر پایه دولت - ملت استوار بوده بلکه بر پایه همین کشمکش ها و نزاع های ذات البینی در جدال دایمی بسر میبرند و بدین ترتیب فضای نظامی - امنیتی حاکم بوده همکاری و همگرایی در میان نخبگان و مردم مفقود میباشد که بدین ترتیب فرصت بسیار ارزشمند برای شرکت های تسلیحاتی ایجاد شده و باعث حضور قدرت های بزرگ برای رقابت با همدیگر بر سر توسعه جایگاه و نفوذ میگردد که كفاره مادی و معنوی همه این شاخ و شانه کشیدن ها و رقابت های این قدرت های بزرگ را مردمان مسکون حوزه بحران میپردازند. چون مدیریت این بحران و کلید حل مسائل مورد مناقشه و خود مهره های نفوذی به دست قدرت های بزرگ بیرونی میباشد بنأ مسائل آنقدر بغرنج، پیچیده و نوجوانب میگردد که راه حل آن غیر ممکن به نظر میرسد و در حقیقت همین است خواست اصلی بازیگران بازی بزرگ در حوزه های منافع حیاتی یا ستراتیژیک شان)

اکنون یکبار دیگر امریکا با خروجش بنابر ملاحظات منافع اش، حفظ اعتبار بین المللی اش، مواد کمپانی برای انتخابات آینده امریکا به نفع رئیس جمهور فعلی، حفظ سیطره داعش برای ایجاد مزاحمت های نظامی و اقتصادی به جمهوریت های آسیای میانه، روسیه، ایران و چین، بازی تاکتیکی و ستراتیژیک برای جلب پاکستان برای منافع خودش و محتمل سازی قطع همکاری پاکستان در پروژه های وسیع البنیاد آسیایی چین و ده ها نقاط نظر حیاتی دیگر امریکا، کشور ما را به بحران میکشاند. اوضاع را خلیل زاد، پاکستان در وجود طالب به کمک دستگاه تبلیغاتی غرب و نوکران زرخیز افغانی شان دقیقاً به طرف بحران عمیق سیر دادند که امریکا به همکاری پاکستان آنرا مدیریت میکنند.

خلیل زاد در مصاحبه که به تاریخ دوم سپتمبر ۲۰۱۹ با تلویزیون طلوع انجام داد به امارت منسوخ طالبان که در سال ۲۰۰۱ بعد از حمله امریکا منسوخ شده بود صحنه گذاشت، او حکومت افغانستان را متهم به زور گویی کرد که گویا از راه زور میخواهند اهداف اش را عملی کنند، همچنان او پیشتر مانه در این مصاحبه حملات انتحاری طالبان و حملات گروهی و سازمان یافته طالبان را در ولایات کشور که باعث کشته شدن هزاران هموطن ما شده است مؤجه جلوه داده گفت این یک امر معمول است در جریان هر مذاکراتی طرفین درگیر میخواهند به وسیله حملات نظامی امتیاز گیری کنند. در حالیکه او در جای دیگر این مصاحبه صراحتاً ذکر میکند که این مذاکرات از افغانها نبوده و

مذاکرات میان امریکا و طالبان است، همچنان آنچه که به گفته های کتاب « ملت، منافع ملی و دولت ملت در افغانستان» صحنه گذاشت یکی هم بیان خلیل زاد در این مصاحبه مبنی بر اینکه امریکا نه براساس نورم های حقوق بشر و نه بر اساس لوایح سازمان ملل متحد به افغانستان حمله کرده است، بلکه امریکا در روشنی اهداف ستراتیژیک و منافع خودش به افغانستان حمله کرده است و حالا هم برایشان مهم نیست که در این کشور بعد از خروج اش چه بر سر مردم این کشور می آید از لحاظ نورم های حقوق انسان، حقوق زنان، امنیت باشندگان و زیر بنا های اقتصادی و اجتماعی هیچ مسئولیتی متوجه امریکا نمی باشد. او با بیشرمی تمام متذکر میشود که ما در توافقنامه اصطلاح امارت اسلامی را درج کرده ایم اما من بعداً طی یک مصاحبه خواهم گفت که ما آنرا بر رسمیت نمیشناسیم.

شما به این دلچسپی دقت کنید، سندی را که رئیس جمهور ایالات متحده امریکا امضا میکند در آن به صراحت امارت اسلامی طالبان بیان گشته است که از لحاظ حقوقی شناخت یک دولت به حیث مؤسسه سیاسی را افاده صریح میدهد. و او که حیثیت یک سفیر را هم تا کنون ندارد طی مصاحبه میگوید که امریکا امارت اسلامی را به رسمیت نمی شناسد.

کشور ما را امریکاییان به همکاری پاکستان در وجود طالبان و سایر مهره های خود فروخته داخلی به طرف بحران بسیار عمیق و به احتمال زیاد تجزیه مرگبار هل میدهند و سکان این حرکت را در دست گرفته اند.

ذکر امارت اسلامی در یک سند حقوقی و به رسمیت شناختن طالبان از جانب امریکا در موجودیت دولت افغانستان حکم صریح تجزیه افغانستان را میرساند. آنها میخواهند در یک قلمرو دو دولت را به جان هم بیاندازد، آنها خوب میدانند که یکطرف برای حفظ نوامیس ملی، حاکمیت ملی، حفظ دستاورد های دیموکراتیک و مردمی، تمامیت ارضی کشور مکلف به دفاع مشروع از کشور و مردم میباشد و در طرف دیگر گفتار وحشی تربیت شده پاکستان را که یقیناً پرداخت مصارف نظامی، تسلیحاتی و لوژستیکی آنرا امریکا عهده دار گشته است زیرا پاکستان در وضعیت موجود اقتصادی توان پرداخت همچو مصارف گزاف جنگی را ندارد به جان مردم ما انداخته در مراحل نخستین جنگهای پراکنده راه اندازی کرده و احتمالاً در نظر دارند یک یا چند ولایت را از پیکر کشور مجزا کرده و به یک جنگ منظم کمر دولت را بشکنانند. اطلاعات تأیید نا شده از جنگهای کندز، بغلان، تخار و ولایات دیگر حاکی از آنست که عده از مردم محلات زیر پرده ناپاک طالب از جانب عده از شریکان داخلی نیز مسلح گشته اند. اما هرچه باشد امریکاییان در این چند سال موجودیت شان در افغانستان همه زمینه ها و محمل ها را برای آینده شان آماده ساخته اند. اینکه با وصف تلاشهای مکرر جانب افغانی قوای هوایی را در چوکات قوای مسلح افغانستان اکمال نکردند علت اش همین راهکار فعلی بوده است.

امریکا در وجود خلیل زاد که در کتاب (فرستاده) اش خود بیان میدارد در شهر بن کشور آلمان تهداب حکومت دست نشاندۀ تنظیمی و قومی را بنیان گذاشت که در طول هژده سال عناصر خود فروخته گماشته شده شان همه دارایی و هستی مردم را بلعیدند و خود این کشور و متحدین اش بسیاری از داشته های زیر زمینی کشور ما را به یغما بردند. گزارشات مفصل از پروازهای متعدد روزانه طیارات انگلیسی و امریکایی از میدانهای زیر کنترل شان در دسترس همگان قرار دارد. ترجمانان و همکاران افغانی این نیرو ها که اکنون در کشورهای غربی پناهنده شده اند رویداد های این غارت معادن ما را با تفصیل در حد دید شان بیان میدارند. حالا که دونالد ترامپ برای انتخاب مجدد اش به این

محمل نیازمند است می‌خواهند افغانستان را خونباران به پاکستان تحویل بدهند و خلیل زاد بیش‌رمانه از احتمال خانه جنگی نیز خبر می‌دهند.

بعد از کشمکش‌های فراوان امریکا، پاکستان، ایران و سایر کشورهای مغرض در این همه سالهای پر از دلهره و قربانی مردم روشن ضمیر افغانستان توانستند تا حدودی بالای این حکومت دست‌نشانده امریکا غلبه حاصل کرده و در وجود تیم موجود اداره کشور را به صوب ثبات، همگرایی، رشد اقتصادی، جستجو و دریافت ریشه‌های معضل افغانستان و منطقه و نشانی کردن راه‌های مثمر ملی و منطقوی را در پیش گرفته‌اند ولی این ثبات و رشد اقتصادی کشور با منافع امریکا سازگار نبوده و پاکستان نیز از بابت یک حکومت مقتدر ملی که روابط حسنه با هند داشته باشد احساس خطر میکند. بناءً همه دست‌های ناپاک ضد افغانی مصمم‌اند تا حکومت ما را سرنگون و ملوک الطوائف را در محلات دو باره بر سر اقتدار آورند.

در جای دیگری کتاب «ملت، منافع ملی و دولت ملت در افغانستان» نوشته بودم: (به همین لحاظ تأکیدات مکرر من روی توافق ملی، اتحاد همه مردم، اشتراک همگانی بر پایه منافع ملی برای حمایت قاطع از حکومت می‌باشد، بایبست تمام هویت‌های پراکنده قومی و قبیله‌ای و مذهبی زیر نام بزرگ هویت ملی افغان تمرکز و تجمع کرده و این سلاح مخرب که قدرت تخریب آن بزرگتر از بم هستوی می‌باشد از دست دشمن بگیرند تا یک حکومت مقتدر که توانایی اداره کل کشور و تأمین امنیت سراسری را پیدا کند و از طرف دیگر در معاملات بین‌المللی با مشروعیت بیشتر از موضع همه ملت توان چانه زنی را با قدرت‌های بزرگ و کشورهای ذیدخل پیدا کند و مردم بتوانند در فضای امن خواسته‌هایشان را مطرح کنند و حکومت توانمندی اجرا و برآورده ساختن این خواسته‌ها را داشته باشد در غیر آن این به هیچوجه منصفانه نخواهد بود تا از کسی چیزی بخواهی که مطمئناً توان پرداخت آنرا نداشته باشد و در سطح منطقه و جهان کشورهایی مختلف دنیا و همسایگان که گروه‌های از مردم ما را در زیر نام قوم، مذهب، اندیشه، منافع اقتصادی و سایر اختلافات در زیر سیطره خود دارند زیر نام نماینده این گروه‌ها کلید حل مسئله را محکم به دست خویش نگهداشته و مانند یک پدیده منفعت‌بار استراتژیک از آن بهره می‌برند و حکومت افغانستان در وجود زورگویان محلی و ساحات تحت نفوذ طالبان و داعشیان در مسایل ملی و بین‌المللی از موضع ضعیف و مشروعیت کمتر برخوردار می‌باشد و همین مسئله باعث می‌گردد تا کشورهای جهان در برخورد سیاسی، اقتصادی و نظامی در قبال افغانستان محتاطانه برخورد کرده و در بسا موارد از طریق انجوها با زورگویان محلی و قوماندانان رابطه‌های تأمین کرده‌اند.

مسئله با اهمیت دیگر برای کشور ما همانا دوران پسا داعش در عراق، سوریه و لیبیا می‌باشد، از قراین اخبار و تحلیل اوضاع کشور بر می‌آید که فعل و انفعالات و جابجایی‌ها زیر نام دولت خراسان داعش که بر اساس اسناد منتشر شده داعشیان خراسان آنها شامل مناطق افغانستان و پاکستان هند و گوشه‌هایی از چین می‌باشد طی سالهای ۲۰۱۴ تا کنون در افغانستان این را به وضاحت می‌رساند که پروژه بعدی گرداننده گان داعش بعد از عراق، سوریه و لیبیا احتمالاً افغانستان خواهد بود، به قول محترم حنیف اتمر مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور افغانستان در مجلس سنا افغانستان مورخ اکتوبر سال ۲۰۱۵ که نیروهای داعش از میان طالبان مخصوصاً طالبان پاکستانی سربازگیری کرده و در حال گسترش به سمت کشورهای آسیای مرکزی می‌باشند و همچنان غرض تأمین مالی گروپ‌هایش در صدد دسترسی به بازار مواد مخدر می‌باشند. گرچه عده از صاحب‌نظران به این عقیده‌اند که طالبان به هیچوجه حاضر

به دادن مواضع خویش به داعشیان نخواهند بود مگر انکشاف اوضاع کاملاً عکس موضوع را به اثبات میرساند، هم اکنون در ولایات شرقی افغانستان خاصاً ولایت ننگرهار و کنر قسمت اعظم مواضع قبلی طالبان در دسترس داعشیان میباشد و بسا فعالیت های تخریبی، دهشت افگنی و عملیات های انتحاری را بین سالهای ۲۰۱۵ تا کنون را در شهر کابل و ولایات افغانستان این گروه به عهده گرفته است. از آنجاییکه تهداب ساختاری گروه های داعش در پاکستان و افغانستان به قول اخبار خاور میانه مورخ ۱۴ جنوری ۲۰۱۵ از نیروهای طالب و رهبران آنها که در سالهای اخیر شدید ترین حملات تروریستی را علیه شیعیان پاکستان در ایالت های خیبر پختونخواه و بلوچستان راه اندازی کرده بودند متشکل بوده این را میرساند که از یکطرف فعالیت های تروریستی و دهشت افگانه سالهای اخیر در مساجد و تکایای شیعیان در شهر کابل و ولایات افغانستان کار همین گروه های داعشی میباشد و از طرف دیگر خطراتی را که این گروه ها برای کشورهای همسایه افغانستان چون ایران، ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان میتواند در آینده ایجاد کند این کشور ها را به فعالیت های تدافعی و پیشگیرانه در ولایات سرحدی ما مجبور ساخته و بنابر همسایگی و روابط عنعنوی شان با قدرات روسیه این کشور را در مسایل افغانستان فعال ساخته و یکبار دیگر بازی بزرگ در منطقه ما و خاصاً افغانستان به جولان خواهد آمد که برای کشور ما با این وضعیت شکنند و نا هنجاری که دارد بسیار گران تمام خواهد شد. اگر مردم ما، سیاستمداران، سیاست گزاران، حکومتیان، قوای مسلح کشور اعم از ارتش، پولیس و ارگانه های امنیتی و عدلی با روحیه عالی و وطن دوستی زیر شعار بزرگ منافع ملی دست به دست هم ندهند و جلو این دسایس بزرگ را نگیرند خطرات بزرگی ویرانگر و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور ما را تهدید میکند. عده از تحلیل گران به این باور اند که اگر قدرت های بزرگ تصمیمی اتخاذ کنند به هر نحوی و شیوه ای که باشد آنرا عملی میکنند. اما به باور من هر قدرتی در جهان محدودیت ها و مشکلات خویش را دارند و همه به این باور اند که هیچ مشکلی در جهان به وسیله قدرت نظامی و جنگ قابل حل نیست. جنگها بر عکس بی ثباتی ها را بیشتر ساخته و باعث بروز مشکلات عدیده جدید شده اند که این بی ثباتی های منطقه ای بی ثباتی های بین المللی را باعث گشته است.)

هموطنان عزیز!!

مادر وطن به شما ندا میکند همه اختلافات، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، صنفی و فرهنگی تانرا کنار بگذارید از مادر وطن دفاع کنید. در مصاحبه خلیل زاد با تلویزیون طلوع دیگر جای شک باقی نمانده که خطر جنگ خانمانسوز و تباہ کن به بیخ گوش هرافغان رسیده است. ادای دین مادر وطن فریضه هر فرزند این دیار ماتم دیده و بلا کشیده میباشد. بیایید دست به دست هم داده این وطن و مردم عذاب دیده اش را از این مصیبت جانکاه نجات دهیم. مردمان کشورهای بالتیک در ۲۳ اگست سال ۱۹۸۹ با شرکت دومیلیون نفر توانستند به شکل زنجیر دست به دست هم داده در امتداد ۶۰۰ کیلو متر از استونی تا لیتوا و لیتوانیا صدای خویش را به جهانیان رسانیدند و در حمایت بین المللی توانستند خود را از سیطره اتحاد شوروی وارهانند. ما هم با اتحاد مان میتوانیم این توطئه های امریکا، پاکستان، ایران، روسیه و دیگران را نقش بر آب کنیم. (پایان)

تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "ارشیف

اوضاع بحرانی کشور

mirzada_q_۱۲۱_aozaaye_bohraani_keshwar.pdf